

چه عوامل باعث شد که در وقت طالبان در کشور امنیت بود؟

ایا طالبان واقعا افغان و به افغانستان خدمت میکنند؟

اقای اوباما میخواهد چه گروه را به نفع خود بالای ملت افغان تحمیل کند یا ۰۰۰؟

این سوالات را در این بحث مختصراً خدمت خوانندگان محترم باز میکنم.

عزیزان باید توجه کنند که بحث بدون تعصب و جانبداری مبتنی بر اصول اساسی منافع ملی کشور صورت میگیرد تقاضای من این است که قضاوت از دیدگاه منافع ملی باشد نه حزبی و یا قومی و مذهبی.

در این جای شک نیست که پاکستان هیچ گاه هم در مورد افغانستان نظر خوب نداشته ولی با آمدن قوای اتحاد شوروی آن وقت زمینه خوب مداخله و نیروی فراوان بخاطر تخریب زیربنا های وطن ما برای پاکستان مهیا شد که تا فعلاً این مداخله و دست درازی ادامه دارد، زمانیکه ISI یا سازمان استخبارات نظامی پاکستان از گلبدین حکمتیار دلسرد شد و در یافت که نمی تواند او را به تاج و تخت کابل برگزیند درصدد آن شد که بدیل خوب را جانشین آن سازد. کار بخاطر بدیل گلبدین از اواخر سال ۱۹۹۱ از طرف ISI آغاز گردید بود زیرا چندین کودتا که ISI برای گلبدین تدارک دید بخت با او یاری نکرد که کودتا آخر بکمک آقای شهنواز تینی صورت گرفت ولی ناکام شد از طرف هم آقای گلبدین در ولایات و یا قسمت از خاک افغانستان تسلط کامل نداشت با وجود کمکهای سخاوتمندانه امریکا اکثر آرد جنگ ها با سایر گروهها مصروف بود، ISI از یکطرف از نفوذ و اعتماد زیاد در بین رهبران جهادی قرار داشت که این اعتماد و وابستگی بیحد رهبران با ISI باعث شد که با مشوره های گویا استخباراتی و ذیرکانه وضعیت داخلی کشور را در بحران عمیق فرو بکشاند بدون آنکه رهبران جهادی شک کنند و یا چیزی از این تدابیر بدانند از طرف دیگر این نفوذ و اعتماد تا سرحدی بود که آقای ربانی از جنرال حمید گل دعوت کرد تا مشاور رئیس جمهوری شود ولی او قبول نکرد چون مستقماً منحصراً مشاور رئیس جمهوری نمیتوانست پلانهایش را تحقق بخشد و هم وی درصدد خرابی وضعیت بود تا بهبود، از اینرو ISI در خرابی وضع داخلی رول بارز داشت تا با استفاده از این خرابی بتواند موقف گلبدین را تقویه کند و یا بهر وسیله ممکن بدیل انرا بقدرت برساند که رساندن بدیل به قدرت وقت و زمان زیاد و شرایط مناسب نیاز داشت، وقت بزودی سپری میگردید تنظیم های مجاهدین که از ارتباطات قوی با ISI برخوردار بودند و تحت تاثیر این سازمان قرار داشتند در عملی ساختن پلان های ان رول اساسی رایازی میکردند ISI با درک دقیق از قدرت قوای مسلح افغانستان و اردو منظم و پر قدرت ان که در برابر امریکا، ناتو، پاکستان و ایران، چین و سایر متحدین ایشان مقاومت میکرد بخصوص جنگ جلال اباد این سازمان را مظربتر ساخته بود، در قدم نخست آقای ربانی و احمدشاه مسعود را فریب داده قوای مسلح جمهوری افغانستان را منحل و افسران و سربازان به هر طرف پراکنده شدند، با تاسف که همه رهبران جهادی از اردو ملت افغان درک نادرست داشتند. این اولین ضربه قوی ISI بود که به حکومت بیتجر به احمدشاه مسعود وارد کرد در حقیقت این ضربه تنها بحکومت آقای مسعود و آقای ربانی بود بلکه ضربه کاری بود که بر ملت رنج کشیده افغان وارد آمد در اینجا لازمست بگویم که امروز امریکا و ناتو و همه متحدین ایشان اکنون در برابر طالبان که با کلشنیکوف و مواد انفجاری میجنگند و صرف از طرف یک ارگان جاسوسی ISI حمایت میشوند نه موزائیل دارند و نه ستنگر و نه راکت ها سکر ۲۰ و سکر ۳۰ و ۴۰ و نه هم پشتوانه سخاوتمندانه زمان جهاد علیه روسهارا، تاب مقاومت را از دست داده اند این امر ثبوت دیگر است که قوای مسلح جمهوری افغانستان چقدر قوی و قدرت قوی مانور های نظامی داشت و ISI به خوبی میدانست که در موجودیت اردو و دستگاه دولتی داکتر نجیب الله پلان های ایشان نمی تواند جنبه عملی کسب کند بنا به ترتیب که باشد باید این قوت منظم از دست آقای مسعود گرفته شود که چنان هم شد، با عملی شدن پلان انحلال قوای مسلح افغانستان دست ISI باز شد زیرا از یک طرف ISI در بین فرماندهان مجاهدین دست بالای داشت و از طرف دیگر میدانست که نظم و دسپلین کاری و اداری در ایشان وجود ندارد این ضربه در اوایل مورد تمجید یک عده رهبران جهادی و بعضی از کسانی که با دولت داکتر نجیب الله تعصب و ضدیت داشتند قرار گرفت ولی بیخبر از اینکه این نیرنگ پاکستان بود و کار تبلیغاتی قوی و موثر بخاطر این پلان شوم از سال های قبل وجود داشت که در صورت سقوط حکومت کابل باید در قدم اول قوای مسلح از بین برده شود زیرا این قوا کمونستی است و ارزشهای جهاد تحت سوال قرار میگیرد و جهاد بدنام میشود و از این قبیل تبلیغات و رهبران جهادی هم بدن تحلیل دقیق از قوا، نظم و دسپلین در سیستم تشکیلاتی تنظیم های خودی و درک و بررسی های تبلیغات، خود هم در این تبلیغات رول قوی داشتند داکتر نجیب الله چندین بار در بیانیه هایش به این نکته اشاره کرد و از این

رو پا فشاری میکرد که سیستم باید حفظ شود چون عاقبت را میدانست ولی این گفته بی ارزش گرفته شد ، بعد از رسیدن مجاهدین بقدرت ننتها اینکه ارزش های جهاد حفظ نشد بلکه به بدنامی رهبران جهادی تمام شد و همه به جنگ سالار و جنایتکار معروف شدند، پلان بعدی ISI چه بود ؟

احمدشاه مسعود زود تر از همه به عاقبت این اشتباه پی برد ولی دیگر دیر شده بود اگر چه تلاش کرد تا صاحب منصبان و سربازان را انسجام بخشد ولی قادر نشد زیرا از یک طرف افسران نظامی اعتماد نمیکردند و از طرف هم تبلیغات منظم دستگاه جاسوسی پاکستان در وجود قومندانان مجاهدین و آقای گلبدین حکمتیار و حزب او مجال انرا نمی داد که حکومت آقای ربانی اردو را منظم سازد چنانچه یکتن از جنرالان حکومت داکتر نجیب الله ، آقای اصف دلاور تاملت در حکومت آقای مسعود حضور سمبولیک داشت ولی با تبلیغات وسیع زیرنام خلقی و پرچمی و غیره و غیره که از طرف عمال ISI صورت میگرفت مسعود مجبور شد که او را سبکدوش کند . مسعود با درک حقیقت صرف خشم خود را با حریق ساختن سفارت پاکستان فرونشاند ولی این کار دیگر فایده نداشت، ISI بعد از انحلال قوای مسلح ضربات پیهم را به کمک آقای گلبدین آغاز کرد کابل مورد حملات متواتر نظامی، استخباراتی و تبلیغاتی بلاه وقفه قرار گرفت ، تدابیر استخباراتی باشدت تمام از طرف سازمان جاسوسی پاکستان بلاوقفه ادامه داشت و رهبران مجاهدین که در این بازی درگیر بودند بدون در نظر داشت منافع ملی آگاهانه و یا نا آگاهانه پلان های ISI یکی پشت دیگری توسط ایشان عملی میشد و به اساس ان اختلافات تشدید میشد بی اعتمادی روز افزون میشد و جنگ داخلی شعله ورمیگردید، پاکستان در جنگ تبلیغاتی از رده های پائین مجاهدین بیشترین استفاده را میکرد و منافع پاکستان که عبارت از تضعیف ملت افغان و ایجاد حکومت دست نشانده بود روز تارومحوق میکردید رهبران مجاهدین و حکومت کابل با نداشتن یک سازمان جاسوسی مجرب و مشاورین خوب امنیتی از درک عواقب بیخبر بودند ولی عاقبت چه شد ؟ تشدد، پراکنده گی، نبود انضباط محکم اداری، نداشتن یک ارگان استخبارت قوی و اردو منظم ، فساد اداری، بیبند و باری ، عدم درک مسولیت و دها مورد که ISI از ان بخوبی آگاه بود و از این ضعفها استفاده موثر میکرد موجب بوجود آمدن وضعیت وشرایط شد که تا امروز ملت افغان دراتش ان میسوزد وتحکیم صلح را دشوار ساخت و از طرف دیگر باعث بوجود آمدن وظهورطالبان در سطح ملی و ایجاد تروریسم به سطح بین المللی گردید ، البته که پلان بدیل آقای گلبدین از وقت طرح شده بود ولی زمینه تحقق ان کاملاً فرار هم گردید .

به قدرت رساندن طالبان منحنی بدیل در مقابل گلبدین توسط ISI:

قسمی که در بالا ذکر شد نظریات بدیل گلبدین از اواخر ۱۹۹۱ بررسی و زیرکار گرفته شده بود، تغییر در رژیم کابل پاکستان را غافل گیر کرد هنوز پاکستان شخصی و یا قوت را که بتواند مورد قبول برای پاکستان و هم سایر گروه های مجاهدین باشد تدارک نداشت و گلبدین مورد نفرت سایر تنظیم ها قرار داشت ISI و حکومت نواز شریف به وقت ضرورت اشد داشتند زمانیکه مسله استعفا داکتر نجیب الله مطرح شد پا کستان نمی خواست چنین کاری صورت بگیرد از اینرو نواز شریف کمک ده هزار تن گندم را به حکومت داکتر نجیب الله اعلان کرد ولی گلبدین مخالفت کرد و راه تورخم کابل را تحت نظر قرار داد و اخطار داد که کاروان راتحت حمله قرار میدهد بعد قرار شد این مقدار گندم از طرق فضا وارد کابل شود با سقوط رژیم کابل و انحلال قوای مسلح افغانستان و کارسریع ISI اکنون شرایط برای گروپ بنام طالبان فراهم شده بود ISI در این پلان همواره از حمایت امریکا برخوردار بود چون امریکا بهر صورت طالبان را نظر به اخوانی ها ترجیح میداد و هم میخواست از طالبان در برابر ایران استفاده کند در ربع چارم سال ۱۹۹۴ طالبان در ساحات والسوالی سپین بولدک ولایت قندهار اغاز به فعالیت کردند ISI بخاطر پیشروی طالبان به طرف قندهار با قومندانان حزب اسلامی از جمله سرکاتب عطا محمد تماس گرفت تا طالبان را اجازه دهد که امنیت شاهراسپین بولدک - قندهار را تأمین کنند به این ترتیب طالبان در شاهرا بولدک - قندهار جابجا شدند. توافق قسمی بود که پوسته های اساس را سرکاتب عطا محمد با خودنگاه میکند و پوستهای اطراف شاهرا به طالبان واگذار میشود که چنان هم شد ولی ISI با سرگروپان عطا محمد تماس مخفی گرفته و بسیار انها را خریداری کرده بود در ۴ نوامبر ۱۹۹۴ کاروان تجاری پاکستان که شامل ۳۰ عراده موتر بود و عازم ترکمنستان میشد وضع تغییر کرد کاروان متوقف شد و همان پوسته های اساس و قابل اطمینان سرکاتب عطا محمد در قدم نخست تسلیم طالبان شدند و قوای طالبان به شهر قندهار داخل شد در جنگ مختصر که بین سرکاتب عطا محمد و طالبان صورت گرفت عطا محمد صرف توانست بمشکل فرار کند و خود را به کویته برساند در این وقت گلبدین در چاراسیاب بود و کابل را راکت باران میکرد از این وضع شوک دید و در مصاحبه با BBC وضع طالبان را قابل نگرانی دانست و طالبان را که بنام گروپ کمک به کاروان پاکستان رویکار شده بود خطر جدی دانست در ۵ نوامبر قندهار بدست طالبان فتح شد و کاروان اجازه یافت عبور نماید با گرفتن قندهار ISI با دست باز و اطمینان زیاد قومندانان و سرگروپان جهادی را هدایت میداد تا با طالبان بپیوندند در چاراسیاب ISI به گلبدین هدایت داد که چاراسیاب را تخلیه کند و همه تجهیزات را باید رها نماید و چاراسیاب به طالبان سپرده شد از اینجا بود که فتوحات طالبان یکی پشت دیگری با مشاوره نظامیان پاکستانی اغاز شد در سال ۱۹۹۶ پاکستان با وجود پرابلم اقتصادی مبلغ شش میلیون دالر معادل ۳۰۰ میلیون روپیه پاکستانی جهت تادیبه معاشات مامورین طالبان تخصیص داد و این کمک در سال ۱۹۹۷ و ۹۸ به سی (۳۰) میلیون دالر رسید قومندانان

جهادی که حمایت بیدریغ ISI را از طالبان دیدند در صورت عدم همکاری با طالبان چون جای وموقف خود را در پاکستان در خطر می دیدند و از طرف هم وابستگی ایشان با ISI انها را واداشت تا با طالبان یکجا شوند دیگر طالبان با خطر حمله و بی نظمی امنیت مواجه نبودند چون انهای که در افغانستان امنیت را برهم میزدند اکنون حکومت دست نشانده خود را داشتند و اگر مجرم پیدامیشد دیگر جای در پاکستان نداشت و در داخل هم طالبان مجازات سنگین و علنی را اعمال میکردند تا وحشت و ترس در مردم حاکم باشد به این تریب امنیت در ساحه تسلط طالبان حلقه بگوش پاکستان قابل سوال قرار نداشت و پاکستان که سالها به ارزو چنان حکومت مزدور بود رسید ، حکومت طالبان تشکیل شد و امیرالمومنین انتخاب شد کابینه متشکل بود از ملا ها که نه علم دنیایی داشتند و نه اسلامی و نه سیاست میفهمیدند صرف معلومات نهایت مختصر از دین مقدس اسلام داشتند .

کابینه طالبان مرکب از افراد ذیل بود

اسم	مقام	ملاحظات
ملا عباس	وزیر صحت عامه	تعلیم یافته مدرسه ولایت زابل ، تاجر
ملا عبیدالله	وزیر دفاع ملی	تعلیم مدرسه کویته ، عضو رابط با ISI
ملا محمدالله اخند	وزیر مالیه	تعلیم مدرسه کویته
ملا امیر خان متقی	وزیر اطلاعات و فرهنگ	تعلیم مدرسه حقانیه
ملا عبداللطیف منصور	وزیر زراعت	تعلیم مدرسه حقانیه
ملا محمد عیسی	وزیر آب و برق	
ملا الله داد اخند	وزیر مخابرات	خود صاحب مدرسه صوبه سرحد
ملا نورالدین ترابی	وزیر عدالیه	
ملا محمد عمر	ایرالمومنین	تعلیم مدرسه قندهار
ملا محمد حسن	وزیر خارجه	تعلیم مدرسه کویته
ملا سیدغیاث الدین	وزیر صاحب معارف	بدون تعلیم از گوشها معیوب
ملا خیرالله	وزیر داخله	تعلیم مدرسه حقانیه
ملا عبدالستار	قاضی القضاة	تعلیم مدرسه قندهار
ملا حمیدالله نعمانی	وزیر صاحب تعلیمات عالی	بدون تعلیمات رسمی
ملا احمد جان	معادن و صنایع	تعلیم مدرسه حقانیه
ملا جلال الدین حقانی	سرحدات	تعلیم مدرسه حقانیه
ملا عبدالوکیل متوکل	منشی ملا عمر و بعد وزیر خارجه	----معلوم نیست

بدین ترتیب ما مینیم کابینه کاری یک ملک جنگ زده در قرن ۲۱ در عصر تکنالوجی و انترنت که جهان را بیک دهکده کوچک تبدیل کرده جالب ان است که وزیر تعلیمات عالی و وزیر معارف هر دو بیسواد که صرف خواندن و نوشتن یاد داشتند. این بدان معنی است که طالبان هیچ نوع علاقه مندی به ترقی و تعالی کشور نداشتن کتب و سیستم آموزشی که در زمان این وزیر صاحبان در وطن پیاده شد با فراغت از فاکولته سطح سواد یک جوان از سطح تحصیل وزیر صاحب تحصیلات عالی و مسلکی و وزیر صاحب معارف بلند نمیرفت. ایا این کابینه به افغانستان چه خدمت میتوانست انجام دهد؟ ایا این کابینه توانائی صحبت و جلب حمایت کشورهای صنعتی را داشت ؟ ایا این کابینه میتوانست باشرکتهای بزرگ که در رأس انها سازمان های مجرب (جاسوسی دربخش اقتصادی) قراردارند و یاتحت نظر ومشوره این سازمانها کار میکنند و اقتصاد دانان میباشند معامله به نفع کشور انجام دهند و مطمئن باشند که فریب نخورده اند؟ ایا توان حداقل صحبت در ساحه علمی، اقتصادی ، تخنیکي سیاسی رادارند؟ پلان های پاکستان بخاطر انقراض علم و فرهنگ و ملت افغانستان توسط این کابینه عملی میشد. وزارت خانه بنام وجود داشت از سیستم دفتری و دیوان خبر نبود سیستم ترانسپورت زمینی و نقل و انتقال سیستم پاکستانی شد تشکیلات اردو محدود شد به گروپ ملیشه تیپ پاکستان اسعارافغانی از توجه افتید و بجای ان کددار مروج شد مکاتب دختران مسدودشد و از طرف دیگر فرمان صادر کردند که قرارذیل است .

- ۱- باید زن مریض نزد داکتر زن برود، در صورتیکه داکتر مرد ضرورت باشد، زن مریض را نزدیکترین عضو فامیلش همراهی کنند .
- ۲- هنگام معاینه، زن مریض و داکتر مرد هر دو باید لباس اسلامی داشته باشند .
- ۳- داکتر مرد نباید به قسمت های دیگر زن مریض بجز همان نقطه درد دست بزند .
- ۴- اتاق انتظار زنان مریض باید بصورت مطمئن مصون باشد .
- ۵- شخصی که در اتاق انتظار زنان مریض نوبت را کنترل میکند باید زن باشد .
- ۶- هنگام شب داکتر مرد نمی تواند در اتاق زنان مریض بدون اجازه داخل شود .
- ۷- نشستن و صحبت کردن میان داکتر مرد و زن مریض اجازه نیست، اگر چنین چیزی ضرورت افتد باید صحبت با حجاب اسلامی صورت گیرد .

تعداد صفحات: ۳ از ۴

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید

maqalat@afghan-german.de

- ۸- داکتر زن باید لباس ساده در بر نماید، پوشیدن لباس شیک و استعمال ارایش و میک اپ اجازه نیست.
- ۹- داکتر زن و نرس زن اجازه ندارند در اتاق مردان مریض داخل گردد.
- ۱۰- کارمندان شفاخانه بصورت مرتب نماز خود را در مساجد در اوقات معین ادا نمایند.
- ۱۱- پلیس مذهبی صلاحیت دارند بخاطر کنترول به اتاق مریضان مرد داخل شود. هر شخص که از اصول عدول کند جزا شرعی میبندد.

این فرمان سطح سواد آنها را نشان میدهد که تا چه اندازه بیسواد بودند، این فرمان توهین اشکار به شخصیت زن و مرد است، طالبان در این فرمان نگفته اند که با مسدود شدن مکاتب دختران داکتر، نرس دختر، پلیس زن، حقوق دان و قاضی زن و ۰۰۰ از کجا میشود.

اگر فرض کنیم که یک نوجوان در زمان به قدرت رسیدن طالبان ۷ سال داشت در زمان سقوط طالبان این نوجوان ۱۶ (شانزده) سال از تعلیم عقب افتاد و این عقب مانگی شامل ده ها هزار دختران در قدم اول و پسران در قدم دوم میشود مسولیت آن بدوش کی است؟ با تأسف که زمامداران و بعضی داکتران حقوق ما از این گروه دشمن وطن حمایت میکنند و آقای اوپاما میخواستند این گروه بیسواد قرون وسطی رابه نفع خود بالای ملت افغان تحمیل کنند امریکا در سال ۲۰۰۱ جنگ را با القاعده زیر نام تروریسم آغاز کرد و گروه طالبان را تروریست خواند و گفت هرکی با القاعده است تروریست و القاعده میباشد امروز ملا عبدالسلام ضعیف در تلویزیون اعلام میکند که طالبان با القاعده ارتباط دارند ولی یگانه این قدرت جهانی چقدر عاجز شده آمریکا و آقای کرزی مسله طالبان میانه رو را مطرح میکنند که گویا میخواهد با این افراد کنار آیند فهمیده نشد که هدف از میانه رو کیست آیا میانه رو ها قدرت پیوستن و قدرت تحکیم صلح را دارند؟ هرگز نه، افراد میانه رو عبارت از صفوف طالبان است در این جای شک نیست که در صوف طالبان افراد خوب و وطنپرست وجود دارد که روی مجبوریت های چون بیکاری اقتصاد ضعیف و نبود امنیت فساد اداری عدم تامین عدالت واقعی از طرف دولت حق تلفی بیسوادی باعث شده تا این افراد در تحت تسلط طالبان قرار گیرد اگر دولت و متحدین در این مورد توجه میکردند هیچگاه چنین حالت بوجود نمی آمد در حالیکه امریکا بخاطر تقویه حضور نظامی و پلان های استراتژی یک خویش علاقمندی و تلاش جهت بهبود وضع نداشت و وضع متشنج نفع میبرد اهسته اهسته وضع شکل غیر قابل پیشبینی را بخود گرفت و هم امکان نبرنگ دیگر در کار می تواند باشد و احتمالات ذیل قابل پیشبینی است. شاید به این ترتیب میخواهند همسایگان که از موجودیت قوای خارجی نگران اند باید طور تمثیل کنند که واقعا خواهان صلح هستند ولی میسر نیست و به این ترتیب میخواهند حضورشانرا تداوم دهد و پیلان تجزیه پاکستان و تغییر نقشه منطقه در کار است زیرا برداشت یک کشور اسلامی مجهز با سلاح اتمی قابل قبول نیست چون نظریات کندک های قومی و تشکیل ملیشه ها باز شدن راه قانونی جهت سپردن اسلحه به این گروهها سرکش تشدید نا آرامی های بیشتر شده میتواند نه آرامش، مسله تبدیل شانکای به یک پیمان نظامی نیز برای غرب نگران کننده است، در این روز ها از استراتژی جدید حرف گفته میشود و میخواهند حکومت های محلی را تقویه کند این کار در زمان جهاد نیز صورت گرفته بود و قومندانان طور جداگانه حمایت میشدند برای اینکه جنگ علیه شوروی تداوم یابد تا قصد ویتنام گرفته شود که رهبران جهادی از خرابی عواقب آن کاملاً آگاهی دارند و شیخ اصف محسنی در مصاحبه با BBC از عواقب و مشکلات که بار آمده بود یاد کرد، بهر صورت این عمل جز یارچه یارچه شدن افغانستان و تضعیف حکومت مرکزی و تداوم دوامدار قوای خارجی در کشور ما و تبدیل آن به تخته خیز علیه کشور های روسیه چین و ایران فایده دیگری نخواهد داشت و افغانستان همیشه در تیر رس این کشور ها قرار خواهد گرفت.

اگر فعلاً هم واقعا آمریکا به آوردن صلح متعهد باشد تا یک حکومت قوی مرکزی بوجود آید به نواقص فوق الذکر توجه شود شغل کاری ایجاد شود مردم بالای دولت منحیث ناجی ایشان اعتماد کنند ساحه جلب و جذب برای طالبان محدود شود و پاکستان تحت فشار قرار گیرد که مناطق قبایلی را تحت فشار نظامی قرار دهند قوای مسلح کشور هرچه سریع تقویه شود طالبان وابسته به القاعده بدون جنگ محو میشوند و اگر دولت امریکاهر روز از مذاکره با طالب حرف بزند و آنها را قدرت بشمارد مردم بیشتر بالای طالبان اعتماد میکند و باعث تضعیف حکومت مرکزی و قوتگیری طالبان میشود مصاحبه ملا ضعیف و متوکل نشاندهنده و ثبوت این مدعا است.

پایان

رویکردها:

- ۱- طالبان اسلام و بازی بزرگ در آسیای میانه مولف احمد رشید مترجم عبدالودو ظفری
- ۲- رادیو BBC
- ۳- یاداشتهای شخصی